اختلاف مصاحف المصار مشمول وجه اختلاف به زیاده و نقصان از وجوه سبعة احرف

شاگرد: فرمایش شما تنها در قرائاتی بود که لفظ جدید ندارد و لفظ اضافی ندارد، میآید. اما در قرائاتی که اسم امیرالمؤمنین باشد که نمیآید. چون مصاحف امصار طوری بوده که فقط نحوه نوشتن آنها فرق میکرده.

استاد: ببینید مصاحف المصار میگوید پس تواتر به نافع و عاصم نیست.

شاگرد: ولی در همان محدوده قرائاتی میگوید که رسمشان یکی بوده.

استاد: در محدوده ناسخ عثمان بله. اما در مصحف ابن مسعود ادعا شده...؛ مصحف ابن مسعود دستگاه و بحث خاص خودش را دارد. فرمایش شما در مصحف زید درست است. اما در آن محدوده وقتی مبادی بحث صاف شد و تعدد قرائات بهمعنای تعدد نزول ملک وحی ثابت شد، آن وقت حرف شیخ طوسی رضوانالله علیه جلو میآید. حرف مرحوم طبرسی و سائرین جلو میآید. شیخ طوسی فرمودند اهلسنت میگویند سبعة احرف یعنی معانی مختلف و مترادفات. بعد فرمودند یک قول دیگر دارد که برای ابن قتیبه بود. فرمودند این قول، اصلا الوجوه است. چون توسط روایات ائمه تأیید میشود. مثالی که شیخ زدهاند را نگاه کنید. شیخ در تبیان دو مثال زدهاند که هر دوی آنها از اختلاف مصاحف المصار بود. دیروز هم عرض کردم این از خبروبت جناب شیخ و شیخ مفید و سید است که به این صورت مثال میزنند. خیلی از مولفین اهلسنت مثالهایی زدهاند در صحیح بخاری [1] خودشان؛ «و الذکر و الانثی». در النشر نگاه کنید. اما شیخ الطائفه در مقدمه تبیان[2] چه مثالی زدهاند؟ «وما عملت أيديهم وما عملته أيديهم» و «فان الله هو الغني الحميد، وان الله الغني الحميد». مرحوم شیخ برای چه چیزی مثال زدهاند؟ برای اینکه بگویند این دو که در مصاحف آمده، نزل علیهما القرآن. مثال شیخ خیلی مهم بود. همین مثال ایشان کافی است تا بگوییم تواتر قرائات به نافع و عاصم نیست. این قرائاتی است که اصلا ربطی به آنها ندارد.

نکته مهمی که کلید فرمایش شما است؛ شما میگویید آن روایات که داخل بحث نیست. ما میگوییم مرحوم شیخ، ابن جزری و دهها عالم اهلسنت این را تقویت کردهاند که مقصود از «سبعة احرف»، سبعة انواع القرائات باشد. نه سبع در خواندن یک قرائت. این بحث مهمی بود. مرحوم شیخ فرموده بودند اصلح این است. هفتمین آن «بالزیادة و النقص» بود. پس شما قبول دارید در قرائاتی که جبرئیل آورده، قرآن «بالزیادة و النقص» نازل شده. اگر این مبانء درست شد، تمام بزرگان اهل فن اهلسنت هم موافقت کردند، آن وقت به در المنثور بیایید. ابن مسعود میگوید: این آیه را با این اضافی «کنّ نقرء». در اینجا دیگر مشکلی ندارید. یعنی در آن سیستمی که آن را متفق علیه بین شیعه و سنی سر رساندید، روایت ابن مسعود هیچ مشکلی ندارد. چرا؟ چون «نزل علی سبعة انواع» که یکی از آنها «بالزیادة و النقصان» است. این بحثها خیلی لطیف

است. اگر خوب آن را تصور کنید آن وقت هم فوائد این بحث را می‌بینید، هم متفق القول بودن بین شیعه و سنی را به آن‌هایی جواب می‌دهید که علیه شیعه شمشیر تیز درست می‌کنند.

شاگرد: بنابراین عرض من را قبول کردید این شاهدی که می‌فرمایید همه قرائات را تصحیح نمی‌کند.

استاد: ما می‌خواهیم راه باز کنیم.

---

[1] صحيح البخاري (۵/ ۲۵)

[2] التبيان في تفسير القرآن - الشيخ الطوسي (۱/ ۶)

بازبینی #2
ایجاد شده 13 ژوئن 2024 12:14:51 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 ژوئن 2024 12:56:16 توسط ... .